

اگر آینده بهتری برای ایران آرزو میکنید
«آینده» را ترویج نمائید، زیرا این مجله فقط
برای خدمت بملکت ایجاد شده است.

آینده

مؤسس و مدیر مسئول، دکتر افشار

بحران سیاسی

از کابینه آقای فروغی بکابینه آقای مستوفی وبعد . . .

در ۲۸ اذرماه سال گذشته (۱۳۰۴) آقای میرزا محمدعلی خان فروغی «دکاء الملک» بتشکیل کابینه از طرف اعلیحضرت مامور شدند. اسامی آقایان وزراء ایشان در شماره ۶ مجله صفحه ۳۸۹ مندرج است. این کابینه بعد از قریب ۶ ماه در اواسط خرداد ماه سال جاری (۱۳۰۵) بعلت غیر مغلومی مستعفی و در ۱۶ همین ماه آقای میرزا حسن خان (مستوفی الممالک) برای تشکیل کابینه جدید از طرف شاه دعوت شدند. طول زندگانی کابینه‌های ایران چندان نیست، و البته این کمی عمر از مزایای سیاسی این مملکت محسوب نتواند شد. از این حیث مملکت ایران را شباهتی با ممالک لاتینی مانند فرانسه است، اما موجبات بحرانهای سیاسی آن مملکت را نمیتوان کاملاً با این کشور مقایسه نمود. بعکس مملکت فرانسه در انگلستان کابینه‌ها هفت سال و ده سال عمر میکنند. در ایران هم اگر این کار کاملاً ممکن یا صلاح نیست باید هر وقت که وزیر یا معاون خوبی مناسب وزارتخانه ای پیدا شد او را سالها بر سرکار نگاه داشت و هر رئیس الوزرائی روی کار میآید ابقای او را لازم بداند تا نظم و دوامی بامور سیاسی و اداری مملکت داده شود. اگر اعلیحضرت شاه در چند سال پیش موقعی که وزارت جنگ را اداره میکردند بجای اینکه سالها در همان وزارتخانه دوام نمایند هر

چند روز یکبار مصدر کاری و اداره کننده وزارتخانه ای بودند بی شک مقدار فعالیت و جدّیتشان تجزیه شده و تا اندازه ای که همه مشاهده کرده اند باصلاح وزارت جنگ موفق نمیشدند ... در ممالک اروپا نیز در موقع سقوط کابینه‌ها رئیس الوزراهای جدید بعضی اوقات تمام یا برخی از وزراء سابق را ابقاء مینمایند. بخاطر دارم که در مملکت فرانسه وقتی مسیو [میلران] از ریاست وزرائی ریاست جمهور انتخاب شد جانشین او مسیو [ژرژ لیک] تمام اعضاء کابینه پیش را نگاهداشت و وقتی که در انگلستان مستر «بنارالا» از ریاست وزراء استعفا داد رئیس‌الوزراء جدید بیشتر وزرای کابینه پیش را ابقاء نمود...

(سرادوارد کری) معروف عاقد قرارداد ۱۹۰۷ که حالیه ملقب به لاردر کری میباشد در کابینه (کمپل بترمن) و کابینه مستر (اسکوئت) که حالیه لاردر (اکسفورد) است قریب یازده سال وزیر خارجه انگلیس بود. لاردر کرزن مشهور در سه کابینه متوالی (لاید جارچ)، (بنارالا) و (بالدوین) وزارت خارجه داشت. البته این مثالهای اخیر که ابقای وزیر خارجه را در کابینه های متعدد نشان میدهد شاهد بر این است که سیاست بین المللی يك مملکت را هر چند ماه یکبار نباید دست بدست گردانید....

کابینه ها و وزرائی را که در انگلیس و فرانسه سالهای دراز بر سر کار می بینیم نگاهدارنده آنها در حقیقت افکار عمومی است. در بعضی ممالک از قبیل ایتالیای امروز و روسیه بلشویک بقوه «دیکتاتوری» همین منظور بعمل آمده است.

در مملکتی مثل ایران که افکار عمومی و احزاب منظم قوی بتمام معنی وجود ندارد «افکار خصوصی» یعنی افراد وطن دوست منورالفکر و رؤسای دولت و حکومت باید از وزراء و معاونینی که لیاقت و درستی نشان داده اند نگاهداری کنند ... اما افسوس که منتظر الوزاره زیاد

است و هرچند روزعهده ای را باید سیر کرد، بطوری که منافع خصوصی اشخاص محالی بمنافع عمومی ملت نمیدهد

کابینه آقای فروغی مواجه شده بود با انتخابات دوره ششم و الحاق انتخابات مذکور بطور خوشی در ولایات جریان نداشت . بملت وعده بیطرفی دولت را دادند اما عملاً حکام و دیگر مأمورین دولتی بیطرف نماندند و این عدم بیطرفی آنها البته بنفع عناصر مرتجع غیر ملی تمام شد بواسطه ضیق صفحات شرح این قسمت را میگذاریم برای شماره آینده تا انتخابات طهران و کلبه تقاط مملکت پایان رسیده باشد .

کابینه جدید بطریق ذیل تشکیل شده است :

رئیس الوزراء و وزیر ناخه : آقای میرزا حسن خان مستوفی (مستوفی المالك)

وزیر مالیه : آقای میرزا حسن خان (وثوق الدوله)

وزیر جنگ : آقای میرزا محمد علی خان فروغی (ذکاء الملك)

وزیر فلاحت تجارت و فواید عامه : آقای مهدیقلی خان هدایت (مخبر السلطنه)

وزیر معارف : آقای میرزا احمد خان بدر (نصیر الدوله)

وزیر پست و تلگراف : آقای حاج میرزا احمد خان اتابکی (مشیراعظم)

کفیل وزارت عدلیه : آقای منصور السلطنه

آقای تقی زاده که اکنون سمت نمایندگی ایران را در نایشگاه (فیلادلفی) دارند

بسمت وزارت امور خارجه تعیین شده اند ، اما جواب رد و قبول قطعی ایشان

ناموقع نگارش این سطور نرسیده است .

کابینه آقای مستوفی از اشخاص حیلی متجانسی تشکیل نیافته است

و اغلب تصور نمیکنند دوامی بنماید . کدامین مسئله آمدن آرا بشکلی

که دارد ایجاد نموده است ؟ عموماً میگویند این کابینه « محلل » است ،

یعنی بعد از مدت کمی جای خود را بکابینه دیگری خواهد داد . البته

انتظار زیاد نباید کشید که صدق و کذب این عقیده روشن شود : تا افتتاح

مجلس یا چند ماهی دیر تر .

آنچه مسلم است در نتیجه تغییرات اخیر مردم قدری مشوش بودند و بعضی نگرانیها داشتند. البته کابینه آقای مستوفی الممالک و مخصوصاً عضویت شخص ملّی و وطن دوستی مانند آقای تقی زاده در آن برای آنست که تا اندازه‌ای آن نگرانیها را برطرف سازد. اما تا چه میزان در اذهان مؤثر شده است نمیدانم. بهر حال قیافه‌ها را آنقدر شادمان و مطمئن نمی‌بینم. در هر صورت تا وقتی که آقای مستوفی الممالک رئیس الوزراء هستند اگر کارهای عمده صورت نگیرد بیم آنها نمی‌رود که مصالح مملکت خواسته و دانسته پایمال گردد. ما که با اصول منفی معتقد نیستیم اینرا کم میدانیم. مخصوصاً تعیین آقای تقی زاده بسمت وزارت امور خارجه بهترین انتخابات است و تا وقتی که ایشان مصدر کار باشند هیچگونه نگرانی از هیچ طرف نخواهد بود.

تاریخ ایران، اوضاع جغرافیائی این مملکت و کلیه حالات سیاسی آن گواهی میدهد که سعادت و نگاهداشتن استقلال و تمامیت ارضی ایران منوط بحفظ موازنه سیاسی بین دول همجوار است. وزارت خارجه ما وزیری میخواهد که حقیقاً معتقد باشد که این است راه سلامت و سپس بداند و بتواند چنین سیاستی را اداره نماید. بعقیده ما آقای تقی زاده که در بیطرفی نسبت باجانب، وطن دوستی و با کداهنی و عقل سیاسی ایشان کمترین شکی نیست کاملاً لایق این مقامند و تا زمانی که ایشان مصدر کار باشند وطن پرستان حقیقی را خاطر آسوده است.

در قسمت سیاست داخلی نیز کابینه جدید که از عناصر مبرز و کارآزموده - اگر چه نامتجانس - تشکیل شده است (البته تا آن اندازه که «ایران آنها» میتواند رجال سیاسی کارآگه داشته باشد) باید برخلاف کابینه‌های پیش قبل از همه چیز امور اساسی را از امور غیر اساسی تشخیص داده نگذارد مختصر فعالیت و اندک پولی که هنوز داریم صرف کارهای بیپوده بشود: مثلاً ایما بهتر نبود بجای مدرسه هوا

پیمائی یادریا نوردی و مدرسه تلگراف بدسیم و امثال آنها مؤسسه‌های معارفی لازم‌تری تأسیس شود؟ باید هوا و هوس سیاسی و تظاهرات را کنار گذاشت. امروز مملکت ایران تشنه‌ی اصلاحات اساسی است و از خود نمائیه‌های شخصی بیزار می‌باشد. باید در صدد توسعه و اصلاح معارف، رونق فلاح و آبادی مملکت بود.

متأسفانه از ابتدای مشروطیت تا کنون که بگمان خود داخل در دوره‌ی جدیدی از زندگانی سیاسی شده ایم یک قدم فهمیده و جدی‌بطرف اصلاحات اساسی بر نداشته‌ایم. با این همه تغییرات اوضاع و اشخاص هیچ روح تازه که بتوان سیاست اساسی بان نام داد در امور ما اندر نشده است. هر «رژیم» و هر کابینه روی کار آمد مواد دلفریب چندی را ریخت «برگرم» خود نمود، ولی هیچ هیئت دولتی درست نمدانست چه می‌خواهد چه می‌تواند و مخصوصاً چه می‌باید بکند، هیچ یک حقایق و احتیاجات اساسی مملکت را تشخیص نداده و هیچ برگرم مبتنی بر نقشه‌ی جدی و عملی اصلاحات اولیه نبود. در اروپا که احزاب سیاسی منظم دارد کابینه‌ها موافق اکثریت پارلمان تشکیل میگردد و خطوط اساسی برگرم آنها از روی مراسمنامه حزبی که منسوب بآنها هستند بر داشته میشود. ولی در ایران که احزاب سیاسی و فرآکیونهای پارلمانی آن روی هیچ اصل صحیح و نابتی تشکیل نشده و مانند امواج اقیانوسها و تپه‌های شن در صحراها متلاطم و متزلزل است برگرم کابینه‌ها کمتر مفهوم عملی دارد و غالباً مرکب از یک عده مواد عمومی مبهم و عوام فریبانه است. پس اول قدم آنست که حکومت جدید احتیاجات اساسی و اولیه مملکت را تشخیص داده آنها را با حقایق موجوده تطبیق نموده پس از آن بی درنگ داخل در عمل شود. آیا کابینه‌ی آقای مستوفی هم بهمین عقیده است؟ ...

بحران سیاسی که از ابتدای کابینه‌ی آقای فروغی تولید شده با تشکیل کابینه‌ی آقای مستوفی رفع نگردیده و باید منتظر بالا رفتن پرده‌های تازه در صحنه سیاست بود.